

بسم الله الرحمن الرحيم

### چیستی صهیونیسم

صهیون، در زبان عبری، به معنای پُر آفتاب و نیز نام کوهی در جنوب غربی بیت المقدس است. کوه صهیون، زادگاه و آرامگاه داود پیامبر - علیه السلام - و جایگاه سلیمان - علیه السلام - بود. گاه این واژه نزد یهودیان، به معنای شهر قدس، شهر برگزیده و شهر مقدس آسمانی به کار می رود؛ ولی در متون دینی یهود، صهیون، اشاره به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داود - علیه السلام - و سلیمان - علیه السلام - و تجدید دولت یهود دارد. به دیگر سخن، صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمان روایی بر جهان است و از این رو، یهودیان خود را فرزندان صهیون می دانند.

صهیونیسم، به جنبشی گفته می شود که خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و

تشکیل دولت یهود است. صهیونیسم، همانند شوونیسم (ناسیونالیسم افراطی) است که با خوار شمردن ملت‌ها و نژادهای دیگر و با غلو در برتری خود، در پی دست‌یابی به قدرت سیاسی است. این جنبش، در نیمه اول قرن ۱۳ شمسی/نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی در اروپا، پا به عرصه حیات گذاشت؛ ولی واژه صهیونیسم، نخستین بار توسط تئودور هرتزل به کار رفت و سپس ناحوم ساکولوو ۲ - مورخ صهیونیست - در کتاب «تاریخ صهیونیست» از آن سخن گفت. ۳

صهیونیسم، تنها دارای ابعاد و معانی سیاسی (صهیونیسم سیاسی) نیست؛ بلکه ابعاد و معانی دیگری همچون صهیونیسم کارگری، فرهنگی، دمکراتیک، رادیکال و توسعه طلب را نیز در بر می‌گیرد. مشهورترین تقسیم صهیونیسم، طبقه بندی آن به دو بخش سیاسی و فرهنگی (دینی) است. صهیونیسم سیاسی، خواهان بازگشت یهودیان به فلسطین است که با تدوین کتاب «دولت یهود»

توسط هرتصل در ۱۲۶۳ ش. / ۱۸۹۴ م. زاده شد. اما صهیونیسم فرهنگی، مخالف مهاجرت یهودیان در قرن ۱۴ شمسی / ۲۰ میلادی به فلسطین است؛ زیرا در انتظار انسان رهایی بخش ۴ در آخرالزمان نشسته که یهودیان و تمام ادیان را به سرزمین ابراهیم - علیه السلام - و موسی - علیه السلام - یا سرزمین نجات بازگرداند. ۵

صهیونیسم به دینی و غیر دینی نیز تقسیم می گردد؛ صهیونیسم دینی، اندیشه ای است که اعتقاد به بازگشت به سرزمین موعود دارد. این باگشت در زمانی که پروردگار مشخص و به شیوه ای که او تعیین می کند، انجام خواهد شد و این کار به دست بشر انجام پذیر نیست. پیروان این اندیشه، گروهی یهودی (صهیونیسم) و شماری عیسوی (صهیونیسم مسیحی) ۶ هستند. در مقابل، در صهیونیسم غیر دینی و غیر یهودی، کسانی جای دارند که با تکیه بر استدلال های تاریخی، سیاسی و علمی به اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می بخشند. این همان

صهیونیسم لائیک (غیر دینی) است که تنها مفاهیم سیاسی خویش را به زبان دین بیان می کند. بنابراین، صهیونیسم همواره به معنای یهودیت نیست؛ بلکه گاه به مفهوم حرکتی برای غیر یهودی کردن یهودیت نیز به کار می رود. ۷.

### یهودآزاری؛ ۸

صهیونیست ها مدعی اند که صهیونیسم، پاسخی به یهودآزاری است. به عقیده آنان، دولت ها و ملت ها به بیماری علاج ناپذیر یهودستیزی دچار شده اند. بنابراین، یهودیان را، در هر کجا باشند، عنصر بیگانه به حساب می آورند و آنان را در آشکار و پنهان آزار می دهند. حیم وایزمن ۹ (متوفای ۱۳۳۱ش. / ۱۹۵۲م.) در این باره می گوید: «ضدیت با یهود، میکروبی است که هر غیر یهودی هر کجا باشد و هر چند که خود منکر باشد، بدان آلوده است» و به بیان دیگر، آنان یهودستیزی را بلایی ازلی و ابدی می دانند که

تنها در پناه یک دولت یهودی می توان از آن رهایی  
یافت. ۱۰

صهیونیست ها، به نمونه های بسیار از یهود آزاری  
در طول تاریخ اشاره می کنند. از نظر آنان، یهود  
آزاری با شکست دولت یهودی اسرائیل و جهودا  
(یهودا)، ۱۱ به ترتیب در ۷۲۱ و ۵۸۶ ق.م. توسط  
آشوریان و بابلیان آغاز و در نتیجه با پراکنده شدن  
یهودیان به نقاط دیگر جهان ادامه یافت و به تدریج،  
روند رو به رشدی به خود گرفت؛ به گونه ای که  
نقطه اوج آن در آلمان هیتلری به چشم می خورد. در  
این دوره طولانی، یهودیان در امپراتوری روم، کشور  
لهستان، روسیه تزاری و... بارها سرکوب و شکنجه  
شدند و تنها در سال ۷۷۰ ش. / ۱۳۹۱ م. هفتاد هزار نفر  
به دلیل نپذیرفتن دین مسیح - علیه السلام - در اسپانیا  
جان خود را از دست دادند. افزون بر آن، یهودیان  
همواره از حق مالکیت در برخی از مناطق جهان و  
نیز اشتغال در برخی حرفه ها محروم بوده و اغلب  
در «گتو»ها ۱۲ به سر برده اند. ۱۳

البته این ادعاهای صهیونیسم، به هیچ وجه قابل اثبات نیست؛ زیرا برخی از نمونه های تاریخی یهودآزاری، مانند آن چه صهیونیست ها درباره یهودسوزی در آلمان مطرح می کنند، بیش از حد بزرگ شده اند. صهیونیست ها در این مورد، با سلطه ای که بر ابزارهای تبلیغی جهان و به کارگیری آن دارند، به مظلوم نمایی پرداخته اند. و نیز برخی قصه های یهودآزاری، ساخته و پرداخته یهودیان و صهیونیست هاست. هدف از این دروغ پردازی ها این بود که به روند مهاجرت یهودیان به فلسطین و تأسیس یک دولت یهودی شتاب بخشند. دیوید بن گوریون ۱۴ (متوفای ۱۳۵۲ ش. / ۱۹۷۲ م.) می نویسد: «اگر قدرت داشتم، عده ای یهودی را به کشورهای مختلف می فرستادم تا یهودآزاری را عمداً به وجود آورند.» ۱۵

**شواهد دیگری بر نادرستی ادعاهای صهیونیسم در**

**این باره وجود دارد، که عبارتند از:**

۱. مهاجرت و پراکندگی یهودیان که اغلب به دل خواه آنان و با هدف اقتصادی، به سوی پررونق ترین سرزمین ها صورت گرفته است.

۲. یهودیان همواره در پهنه ای گسترده از خاک امپراتوری عثمانی، در صلح و آرامش می زیسته اند.

۳. یهودیان در بریتانیا، فرانسه و آلمان قرون وسطی، تحت آزار نبوده اند و حتی پس از عصر نوزایی، وضع اجتماعی آنان بهبود یافت.

۴. رنج و دردی که میلیون ها برده آفریقایی سیاه پوست، در انتقال و اسکان اجباری به غرب متحمل شده اند، بیش از رنج و دردی است که بر یهودیان وارد آمده است. جالب این که صاحبان برخی از کشتی های حامل بردگان، سوداگران و بانک داران یهودی بوده اند.

۵. وقوع یهودآزاری را در حد پایینی می توان پذیرفت که آن هم به ویژگی های فردی و اجتماعی یهودیان،

مانند جمع‌گریزی و اشتغال در مشاغل غیر مولد، چون رباخواری باز می‌گردد ۱۶ و نیز ریشه در منازعه دائمی کلیسا و کنیسه دارد. به هر روی، نقش یهودآزاری ساختگی در تولد صهیونیسم، آن‌چنان بزرگ بود که هر متصل آن را موهبت الهی نامید. اگر صهیونیسم محصول یهودآزاری است، پس چرا صهیونیسم به نوعی یهودآزاری از طریق تبعیض بین یهودیان سفاردی و اشکنازی ۱۷ مبدل شده است؛ سوءالی که صهیونیست همچنان آن را بی‌پاسخ گذاشته‌اند. ۱۸

### سرمایه‌داری غرب و پیدایش صهیونیسم؛

صهیونیسم، مولد دوران تحول و انتقال سرمایه‌داری غرب به مرحله امپریالیسم نیز به شمار می‌رود. در این دوره، همه قدرت‌های بزرگ، برای تأمین منافع استعماری، فعالانه در پی یافتن جای پای محکم، در خاورمیانه شدند. برای دست‌یابی به این هدف، نخستین بار ناپلئون بناپارت (امپراتور فرانسه)، به



جلب همکاری یهودیان علیه امپراتوری عثمانی دست زد که البته در این کار توفیقی به دست نیاورد؛ سپس بیسمارک (صدر اعظم سابق آلمان) برای پاسداری از خط راه آهنی که قرار بود از برن - شهری در آلمان - به بغداد کشیده شود، اقدام به جذب و به کارگیری یهودیان کر؛ ۱۹ اما سرانجام، این انگلیس بود که به آرزوی دیرینه اش، یعنی خلق اندیشه صهیونیسم و ترغیب یهودیان اروپای شرقی، روسیه و غرب، برای مهاجرت به فلسطین و تشکیل یک دولت یهودی که حافظ منافع آن کشور باشد، دست یافت. ۲۰

دلایل بسیاری در تأیید نقش قدرت های بزرگ استعماری، به ویژه انگلیس، در پدید آمدن صهیونیسم و رژیم اشغال گر قدس در دست است. در ۱۲۱۹ ش. ۱۸۴۰م. روزنامه تایمز لندن اعتراف کرد که پیشنهاد استقرار یهودیان در سرزمین فلسطین، مورد حمایت پنج قدرت بزرگ جهانی است؛ سپس هر متصل چنین فاش کرد: «بازگشت به سرزمین پدرانمان... از بزرگ ترین مسائل سیاسی مورد علاقه

قدرت هایی است که در آسیا چیزی می جویند؛ اما همان گونه که گذشت، انگلیس گوی سبقت را از دیگر قدرت های اروپایی ربود و با ابداع اندیشه صهیونیسم ۲۱ زمینه تأسیس رژیم غاصب اسرائیل را فراهم آورد. به بیان دیگر، پس از یک منازعه طولانی میان صهیونیست ها، سرانجام صهیونیست های انگلوفیل، ۲۲ جناح وابسته به وایزمن، موفق به تثبیت فلسطین - مکان مورد نظر انگلیس - به عنوان جایگاه نهایی یهودیان گشتند. ۲۳

یهودیان تنها نامزد تشکیل دولتی حافظ منافع غرب، در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه بودند؛ زیرا به عقیده لرد ارل شافتسبری هفتم، ۲۴ که از رجال سیاسی بریتانیا و نیز یک صهیونیست مسیحی بود، اسکان یهودیان در فلسطین نه تنها برای انگلستان که برای سراسر دنیای متمدن ( غرب ) سودمند خواهد بود. هر متصل نیز معتقد بود که یهودیان می توانند، حلال مشکل غرب در خاورمیانه باشند. ماکس نوردو، از صهیونیست های معروف، معتقد بود که " ما

فرهنگ اروپایی را... همچنان حفظ خواهیم کرد... ما به این فکر که باید آسیایی شویم، می خندیم». پیش تر نیز یک کشیش مسیحی پیشنهاد کرده بود، که برای حفاظت از هندوستان زیر سلطه انگلیس، لازم است یهودیان در فلسطین ساکن شوند. به هر حال، صهیونیست ها خود را مشعل دار تمدن غرب می دانند؛ تمدنی که در تلاش است تا دموکراسی را در خاورمیانه و قلب آن حاکم کند. ۲۵

نتیجه این که نیازهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب، به ویژه انگلیس، موجب پدید آمدن جریان فکری صهیونیسم و اسکان یهودیان در فلسطین گردید؛ جریانی که با غیر دینی (سیاسی) کردن یهودیت، در پی تحقق و حفظ منافع استعماری در خاورمیانه برآمد؛ در حالی که یهودیت دین دار ممکن بود برای غرب خطرآفرین باشد. ۲۶

**بورژوازی یهود: ۲۷**

از اواخر قرن دهم شمسی/شانزدهم میلادی، یهودیان سفاردی از اسپانیا و پرتغال طرد شدند و در کشورهای عثمانی، هلند و فرانسه سکونت گزیدند. آنان به دلیل مهارت در بانک داری و با بهره مندی از روابط تنگاتنگی که با سفاردی های عثمانی داشتند، به آسانی به عرصه تجارت جهانی وارد شدند و بدین سان، نخستین گام را در شکل دهی به بورژوازی یهود برداشتند. ۲۸ در قرن یازدهم شمسی/هیجدهم میلادی نیز با ارتقای وضع اجتماعی اروپاییان، موقعیت یهودیان، به ویژه در عرصه اقتصادی، بهبود یافت. این امر، منجر به تلاش بیشتر بخشی از یهودیان برای رهایی از نظام گتو و ادغام در جوامع غربی و روی آوردن به مشاغل مولد و در نتیجه، گسترش و تثبیت قشر بورژوازی یهود گردید. ۲۹

**بورژوازی یهود، به صورت های گوناگون، در پدید آوردن صهیونیسم مؤثر افتاد. مهم ترین اهداف پیدایش صهیونیسم عبارتند از:**

۱. بورژوازی یهود، همگام و همراه با رشد و تکامل سرمایه داری غرب و همانند آن، همه جهان را بازار مصرف خود می پندارد. در آن زمان، هرچند امپراتوری عثمانی از ضعف اقتصادی رنج می برد، اما به دست آوردن بازار داخلی آن به سادگی امکان پذیر نبود و این امکان، با مهاجرت بیشتر یهودیان به عثمانی - سرزمینی که از نیروی کار ارزان عرب بهره مند بود - فراهم می آمد. افزون بر این، چنین اقدامی یهودیان غیر فعال اقتصادی و بی علاقه به سرمایه گذاری را به عناصر فعال اقتصادی، در امپراتوری عثمانی تبدیل می کرد و یهودیان باقی مانده در غرب را نیز به سوی فعالیت های اقتصادی و سودآور ۳۰ سوق می داد. ۳۱

۲. سرمایه داری یهود، برای جلوگیری از افزایش تقاضای مالی یهودیان فقیر که به کاهش ثروت آنان می انجامید، خواهان طرد آنها بودند؛ از این رو، با تشکیل دولت اسرائیل، اداره دولت یهودی را در دست گرفتند. بنابراین، بورژوازی یهود، هم در راندن

یهودیان از اروپا و هم در اداره کردن آنان در فلسطین  
اشغالی، نقش اساسی داشته است.

۳. بورژوازی یهود در آغاز، خواهان مهاجرت یهودیان  
به فلسطین نبود؛ بلکه به اعتراف حیم وایزمن، اوگاندا  
بیشتر مورد علاقه بازرگانان یهودی بود. در مرحله  
بعد نیز بورژوازی یهود در پی مهاجرت همه یهودیان  
به فلسطین نبود؛ بلکه خواهان آن بود که شمار  
یهودیان به اندازه ای کاهش یابد که به رفاه اقتصادی  
آنان در غرب لطمه ای وارد نسازد. ناحوم ساکولو در  
این باره اعتراف می کند که صهیونیسم نه به عنوان  
یک نهضت، بلکه به عنوان یک اقدام مالی و سرمایه  
داری ظهور کرده است؛ البته یافتن مکانی برای خوش  
گذرانی و نیز دست یابی به کنترل مجدد یهودیان، از  
دیگر هدف های بورژوازی یهود در خلق صهیونیسم  
شمرده شده است. ۳۲

صهیونیسم ادبی - سیاسی؛

پیش از تولد صهیونیسم سیاسی، صهیونیسم ادبی پدید آمد و نخستین جرقه های سیاسی کردن دین یهود را برافروخت. به دیگر سخن، صهیونیسم، نخست در عرصه زبان، گفتار و اندیشه و آن گاه در عرصه سیاست قد برافراشت. در این روند، صهیونیسم ادبی، زبان عبری را به خدمت گرفت و در گسترش آن کوشید و یهودیان عبری زبان را تشویق کرد و پاداش داد. به دنبال این تلاش چند صد ساله، زبان عبری که به گفته بن گوریون، یک زبان ناگویا بود و در قلب ها می زیست و به نماز، شعر و ادبیات مذهبی اختصاص داشت، به جایگاهی دست یافت که دیگر تنها زبان زمان گذشته نبود، بلکه زبان آینده، زبان رستاخیز و زبانی بود که می توانست یهودیان را به عنوان یک ملت یگانه در زیر بیرق خویش گرد آورد. ۳۳

در عرصه قلم، اندیشه، هنر، داستان، رمان و نمایش های بسیاری پدید آمد که به ایفای نقش در تولد صهیونیسم پرداختند که در بین آنها اشعار مذهبی بن

هاله وی (متوفای ۵۱۹ ش./۱۱۴۰ م.) به سود مقاصد صهیونیستی به کار رفت. کتاب «تلمود» (۳۴) نگارش ۱۱۲۹ ش./۱۷۵۰ م.) اندیشه بازگشت به ارض موعود را رواج داد. بنجامین دیزرائیلی (Benjamin disraeli) در رمان «دیوید آلروی» (تألیف ۱۲۱۲ ش./۱۸۳۳ م.) شکلی از نژادپرستی افراطی یهودی را به تصویر کشید. زیگموند فروید (متولد 1235 ش./۱۸۵۶ م.) بر لزوم اجرای تربیت صهیونیستی تأکید ورزید. جورج الیوت (Georg Eliot) در رمان «دانیل دروندا» (۳۵) (تدوین ۱۲۵۵ ش./۱۸۷۶ م.) که مهم ترین سند ادبی صهیونیسم به شمار می رود، ناممکن بودن ادغام یهودیان در تمدن های دیگر را گوشزد کرد. افزون بر این تلاش ها، نگارش «دایرة المعارف صهیونیسم و اسرائیل» (تألیف ۱۲۵۹ ش./۱۸۸۰ م.) به سهم خویش، زمینه ساز صدور اعلامیه بالفور ۳۶ گردید که آن نیز، از زمینه های اساسی تأسیس اسرائیل به شمار می رود. ۳۷



برخی از افسانه ها نیز در پدید آوردن صهیونیسم  
دخیل بوده اند. مهم ترین این افسانه ها، افسانه  
«یهودی سرگردان» یا یهودی دوره گرد است. این  
افسانه برای نمایاندن زندگی سراسر آمیخته با رنج ،  
محنت ، سرگردانی و بی پناهی یهودیان به کار رفت  
و به تدریج زمینه ذهنی ضرورت تلاش برای رهایی  
یهودیان صهیونیست را در اواخر قرن دوازدهم  
شمسی / نوزدهم میلادی فراهم آورد. ۳۸

ادبیات صهیونیستی، تنها به ترسیم چهره یهودی یا  
یهودیان ناراضی نپرداخته، بلکه کوشیده است، چهره  
ای نیک و انسانی از یهودیان به دست دهد، تا آنان  
راه کسب امتیازات اجتماعی بیشتری را بازیابند و آن  
را برای ظهور صهیونیسم به کار گیرند. در مجموع،  
ادبیات صهیونیستی کوشیده است، تا با رواج  
همبستگی یهودیان جهان، مبارزه با تبلیغات ضد  
صهیونیستی، رنج و ستم دیدگی یهودیت را به تصویر  
کشد، و به پندار خود، وحشی گری اعراب علیه

یهودیان را نمایان سازد و به ترویج اندیشه برتری  
قوم یهود پردازد. ۳۹

پی نوشت:

۱. تئودور هرتصل - بنیانگذار صهیونیسم (Thedar

Herzel) به شکل های گوناگون همچون: تئودور

هرتزل، هرزل، هرتسل و... نوشته می شود، ولی

معمولاً آن را به صورت «هرتصل» می نگارند.

۲. ناحوم ساکولو (nahum sokolow) مورخ

صهیونیستی است.

۳. عبد الوهاب المسیری، صهیونیسم، ترجمه لواء

رودباری، ص / 7 حمید احمدی، ریشه های بحران

در خاورمیانه، ص / 3 علی آقا بخشی، پیشین، ص

/ 423 ب. پراهی، فریب خوردگان صهیونیسم،

ترجمه ابوالقاسم سرّی، ص 27.

۴. انسان رهایی بخش را در زبان عبری «ما شیاح»

می گویند.

۵. حمید احمدی، پیشین ص / 3روژه گارودی،  
پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین  
حکمی، ص ۵ / عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص  
8.

۶. هر کسی که خواهان مهارت یهودیان جهان به  
فلسطین باشد، صهیونیست است، خواه یهودی باشد  
و یا نباشد. بنابراین، هر یهودی، صهیونیست نیست،  
و به عکس، برخی صهیونیست ها غیر یهودی اند.

7. عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص 7-۱۴ / عادل  
توفیق عطاری، تعلیم و تربیت صهیونیستی، ترجمه  
ی مجتبی بردبار، ص / 50روژه گارودی، تاریخ  
یک ارتداد، اسطوره های بنیان گذار سیاست  
اسرائیل، ترجمه ی مجید شریف، ص 23.

## 8. Anti - Semitism

« 9. حیم» یا «حیثم» یا «چیم وایزمن (Chaim)»  
(Weizman) پس از هر متصل، جامعه صهیونیستی  
را برای نیل به تأسیس اسرائیل رهبری کرد.

10. یوری ایوانف، صهیونیسم، ترجمه ی ابراهیم  
یونسی، ص / 71 - 74 عبدالوهاب المسیری، پیشین  
ص. 36.

11. نام دولت دیگر یهودی، یهودا (= یهوذا) بود.

12. «Ghetto گتو» در گذشته به محله ای در  
یک شهر گفته می شود که یهودیان به اقامت در آن  
مجبور بوده اند.

13. آلاسدایر دراسدل و جرالدا اچ. بلیک، جغرافیای  
سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه ی درّه  
میرحیدر، ص ۳۶۱.

14. دیوید داود بن گوریون (David Ben  
Gurion) در لهستان به دنیا آمد و در اسرائیل مرد.  
وی نخست وزیر اسرائیل در سال های نخستین  
تأسیس رژیم صهیونیستی بود.

15. پراهی، فریب خوردگان صهیونیسم، ص 6 /  
گالینا نیکیتینا، دولت اسرائیل، ترجمه ی ایرج  
مهدویان، ص 32.

16. یوری ایوانف، پیشین، ص 32 و ۴۰ و ۷۴ و  
۷۱ / عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص 75 و ۲۴.

17. سفاردی (Sepharadi) و اشکنازی  
(Ashkanase) به ترتیب به یهودیان مهاجر  
اروپای شرقی و شمال غرب اروپا به اسرائیل اطلاق  
می شود.

18. عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص 88.

19. پیش از جنگ جهانی اول، صهیونیست ها به  
آلمان دل بسته بودند، ولی با مشاهده شکست قریب  
الوقوع آلمان و پیروزی انگلیس، به آن روی  
آوردند.

20. یوری ایوانف، پیشین، ص 54 و ۴۸ و ۴۵ و  
۱۳.

21. به عقیده ماکس نوردو (Max Nordau)

یکی از رهبران صهیونیست ها در قرن بیستم  
میلادی، صهیونیسم اختراع انگلیس است. ر.ک:  
یوری ایوانف، پیشین، ص ۵۱.

22. انگوفیل به افراد و گروه هایی می گویند که  
گرایش و وابستگی شدید به انگلیس دارند.

23. یوری ایوانف، پیشین، ص ۸۵، ۵۱، ۴۷ و ۱۸.

#### 24. Seventh Earthly burial

25. عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص ۵۴، ۱۲، ۸ و  
۵ / یوری ایوانف، پیشین، ص ۶۹.

26. عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص ۲۹.

27. بورژوازی (Bourgeoisie) برای طبقه سرمایه  
دار نیز به کار می رود. ر.ک: علی آقابخشی، پیشین،  
ص ۲۶۳۵. عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص ۲۹.

28. به عقیده ایوانف، بورژوازی یهود محصول  
رئسانس نیست، بلکه پیش از آن نیز وجود داشته  
است. ر.ک: یوری ایوانف، پیشین، ص ۲۶-۲۰.
29. عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص ۸، ۷ و ۲.

30. مایر ویلنر (Mcir Vilner) سیاستمدار  
اسرائیلی می گوید: «صهیونیسم نماینده ایدئولوژی  
ارتجاعی یهودیان بورژوازی طرفدار امپریالیسم  
است.» ر.ک: پراهی، پیشین، ص ۳۰.

31. المسیری، پیشین، ص ۵۵، ۴۰، ۱۷ و ۹.

32. یوری ایوانف، پیشین، ص ۸۳، ۸۲ و ۵۲ /  
نیکیتینا، دولت اسرائیل، ص ۳۱.

33. غسان کنفانی، نگاهی به ادبیات صهیونیسم،

ترجمه موسی بیدج، ص ۲۳-۱۳.

34. تلمود یا تعلیم، کتابی است شامل دو بخش که  
یکی را «مشنا» و دیگری را «گمارا» گویند. مشنا،

مجموع تعالیم مختلف یهود است و گمارا، تعلیمات و تفاسیری است که پس از تکمیل مشنا در مدارس عالیه یهود به وجود آمد. ر.ک: روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ص ۱۸۱.

### 35. Daniel Deranda

36. اعلامیه بالفور (Deslavation Balfeur) از سوی لرد آرتور بالفور (Lord Arthur James Balfeur) وزیر امور خارجه وقت انگلیس صادر شد. مفاد این اعلامیه به پیشنهاد وی در کنفرانس سان ریمو (San Remo) شهری در ایتالیا - به تأیید متفقین رسیده بود.

37. روزه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ص ۴۷، ۴۲، ۳۳ و ۲۸ / عبدالوهاب المسیری، پیشین، ص ۱۷-۱۴ در این جا باید به ترجمه عبری کتاب جلعاد (Gilead) - نام منطقه ای در شرق اردن - اشاره کرد که رکورد بی سابقه ای در فروش نشریات عبری برجای گذاشت.



38. کنعانی، نگاهی به ادبیات صهیونیسم، ص ۶۶،

۵۷.

39. همان، ص ۸۱، ۷۱، ۴۳، ۴۱.